

نگاهی به پیشینه و ظرفیت مردم‌سالاری دینی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی در افق ایران ۱۴۱۴

خدیجه هاشمی^۱ و فاطمه دشتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده

مردم‌سالاری دینی از شاخص‌های مهم حکومت در اسلام است. حکومت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام به‌عنوان نمونه‌های تاریخی مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شوند که از جمله مؤلفه‌های مردم‌سالاری در حکومت ایشان می‌توان به بیعت به‌عنوان مهم‌ترین نماد مردم‌سالاری دینی و شاخص‌های دیگری چون عدالت، امنیت، آزادی بیان و ... اشاره کرد. در دوران معاصر و هم‌زمان با شکل‌گیری انقلاب مشروطه در ایران، برخی از صاحب‌نظران سعی در ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی داشتند که خط سیر این نظریه پردازی، مردم‌سالاری دینی را در سطح تقنین تعریف نمود و در نهایت با شکل‌گیری انقلاب اسلامی این نظریه به‌صورت نظامند در ذیل نام جمهوری اسلامی عینیت یافت. در این پژوهش سعی بر آن است ضمن بررسی سیر تاریخی مردم‌سالاری در اسلام به این سؤال پاسخ دهیم که شاخص‌های مردم‌سالاری دینی در فرهنگ سیاسی اسلام کدام است و نقش آن در ساخت تمدن نوین اسلامی و تحقق آن در افق ۱۴۱۴ ایران به‌عنوان پرچمدار نوزایی تمدن اسلامی چیست؟

کلید واژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، حکومت، اسلام، ایران ۱۴۱۴، تمدن نوین اسلامی.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

هاشمی، خدیجه؛ دشتی، فاطمه (بهار ۱۴۰۳). «نگاهی به پیشینه و ظرفیت مردم‌سالاری دینی و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی در افق ایران ۱۴۱۴». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۱. پیاپی ۲۵، صص ۶۹-۹۰.

^۱. دانش آموخته دکتری تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. ایمیل: khadije_hashemi@yahoo.com

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

ایمیل: khadije_hashemi@yahoo.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقالای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با باریگری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

یکی از شاخص‌های مهم تمدن‌سازی، وجود نظام سیاسی مطلوب و مردم‌سالار است که در آن خواست و رأی مردم محل توجه قرار گیرد. هر چند مقوله مردم‌سالاری از مفاهیم بدیهی و پرتکرار در علم سیاست محسوب می‌شود اما باید در نظر داشت که تفاوت نظام‌های سیاسی مختلف در تعریف و ارائه یک الگوی شاخص از مردم‌سالاری باعث شده است گاه‌ب‌گاهی از مکاتب سیاسی در تقابل با گروه مخالف خود، تعریف مفهوم مردم‌سالاری و عینیت بخشیدن به آن در نظام سیاسی توسط گروه مقابل را به چالش کشیده و فاقد صلاحیت اجتماعی و سیاسی بدانند. بنابر این هر کدام از مکاتب سیاسی، فکری و مذهبی در دفاع از دیدگاه‌های خود به ارائه استدلال و شواهد عینی و تاریخی از تحقق مردم‌سالاری مورد نظر خود می‌پردازند. اساس این پژوهش بررسی سیر تاریخی مردم‌سالاری دینی در نظام سیاسی اسلام می‌باشد. این نوع حکومت که پیشینه‌ی نظری آن در متون دینی اسلام نهفته است با بازخوانی در دوره معاصر قابلیت بازسازی مجدد پیدا نمود. و هدف از این مقاله ارائه الگوهای تاریخی و عینی از مردم‌سالاری دینی و درس‌آموخته‌های آن در آینده پژوهی ایران ۱۴۱۴ و تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد که در چند بخش به بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت.

در ابتدا تعریفی از اصطلاح و واژه مردم‌سالاری دینی ارائه خواهد شد و در ادامه به سیر تاریخی مردم‌سالاری از صدر اسلام و حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهیم پرداخت. از جمله شاخص‌های مردم‌سالاری در حکومت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌توان به مواردی چون گرفتن بیعت و عهد با مردم در زمان و شرایط مختلف و تنظیم تدوین نخستین پیمان‌نامه مکتوب با گروه‌های مختلف که به‌عنوان قانون اسلامی حکومت ایشان محسوب می‌شود پرداخت. هم‌چنین مشورت ایشان با افراد مختلف بدون توجه به جایگاه اجتماعی آن‌ها که پیش از این بر اساس مؤلفه‌های جامعه جاهلی پیش از اسلام تعریف شده بود، نمونه دیگری از توجه به آراء عمومی در حکومت داری محسوب می‌شود. در ادامه این سیر به حکومت امام علی علیه‌السلام خواهیم پرداخت. بعد از گذر از دوره سه خلیفه اول که هر کدام با منطبق اجتهادی خود جامعه را به سمت و سوی سوسیالیستی سوق داده بودند، اکنون زمینه برای حکومتی فراهم شده بود که به تمام معنا حکومت اسلامی محسوب می‌شد. چراکه مردم با علم به اینکه حضرت علی علیه‌السلام نه بر مبنای رضایت خلق و نه بر مبنای منویات شخصی بلکه بر مبنای حکم و قانون الهی حکومت خواهد کرد، او را به خلافت و حکومت بر خود فراخواندند. بر اساس تعریف مردم‌سالاری دینی در واقع این نمونه از حکومت که حاکم آن مبنایی جز حدود و قانون الهی ندارد و مردم جامعه با اختیار به حکومت عدل الهی گردن می‌نهند، تبلور واقعی مردم‌سالاری دینی در اسلام است. البته بررسی چگونگی عملکرد مردم در زمان حکومت ایشان در حوصله‌ی این مقاله نیست. اما عملکرد سیاسی حضرت علی علیه‌السلام در این بخش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

در ادامه به دوره معاصر در دو بخش خواهیم پرداخت. بخش اول مربوط به دوره مشروطه و فعالیت علمای شیعه در این دوره است. فعالیت روحانیون و علمای برجسته این دوره که در مسیر ارائه الگوی مدون از حکومت‌داری اسلامی مصائب بسیاری را به جان خریده و به سهم خود گام‌های بلندی در سیر تاریخی برداشته‌اند را می‌توان در چند محور اصلی مورد ارزیابی قرار داد. اولین چالش پیش روی روحانیون نظریه‌پرداز مشروطه، تغییر و تبدیل شیوه استبداد در حکومت به دموکراسی و تکیه بر نظام شورایی و بر قانون‌گذاری بود. که البته با توجه به تحولات سیاسی و بالا رفتن سطح آگاهی سیاسی بالخاص در میان قشر روشنفکر، زمینه برای ایجاد این تغییر میسر شده بود. در این سیر انتقال از استبداد به دموکراسی، التزام حکومت و حاکم به قانون نیز مطرح شده بود و چالش اصلی در این مرحله ایجاد شد. آنچه در نظر روحانیون مشروطه خواه بود فراتر از التزام به قانون توسط حاکم و در واقع نوع قانونی بود که نقشه‌ی راه حکومت‌داری محسوب می‌شد و آن قانون، قانون شرع مقدس اسلام بود. افرادی چون نائینی، شیخ فضل‌اله نوری در این راه جهد بسیار نمودند و مفاهیمی چون ولایت فقیه، حکومت مشروطه و قانون از جمله مواردی است که در نظریات ارائه شده توسط آن دو مطرح شد.

در بخش دوم از تاریخ معاصر به نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ثمره نظام‌سازی در عرصه فرهنگ سیاسی تشیع پرداخته و ابعاد مختلف آن را به‌عنوان الگوی حکومت اسلامی در دوره معاصر مورد بررسی قرار خواهیم داد و در نهایت به ظرفیت الگوسازی نظام مردم‌سالاری ایران در شکل‌گیری تمدن اسلامی و تبیین افق ۱۴۱۴ ه.ش. این نظام در تحقق مردم‌سالاری دینی خواهیم پرداخت.

۲. مردم‌سالاری دینی و تجربه تاریخی آن در حکومت‌های صدر اسلام

مردم‌سالاری دینی از جمله اصطلاحات سیاسی دوره معاصر است که در برابر مردم‌سالاری غربی و سکولار به ارائه نظامی سیاسی مبتنی بر محتوای دینی اشاره دارد. در این نوع حکومت ساختار و شکل اجرایی بر اساس مدل دموکراسی است که با مشارکت مستقیم و غیر مستقیم اکثریت مردم شکل می‌یابد ولی محتوای آن دینی و مطابق با ارزش‌هایی است که دین تعیین می‌کند. در نظام مردم‌سالاری دینی مشروعیت ذاتی حاکمیت برخاسته از اراده الهی است و در آن به دو جنبه توجه می‌شود یکی، مشروعیت نظام و دیگری مقبولیت مردمی که گرد آمدن این دو مؤلفه اساسی، نظام مردم‌سالار دینی را تشکیل می‌دهد (فاضلی، ۱۳۹۰: ۲۲). بنا به تعریفی دیگر مردم‌سالاری دینی، حکومت مشروع را مبتنی بر رضایت و قرارداد اجتماعی نمی‌داند بلکه وجه اصلی مشروعیت را به واسطه امر الهی بودن حکومت در مقبولیت آن می‌داند و به فعلیت رسیدن حکومت را در انتخاب و مقبولیت مردم بر می‌شمرد.

با مروری بر متون و منابع اسلامی و خوانش سیره حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام به عنوان دو معصوم که موفق به تشکیل حکومت گردیدند، به درستی می‌توان به ارزشمندی جایگاه مردم و توجه به نقش و حضور آنان در ساخت جامعه سیاسی و اجتماعی پی‌برد.

۱-۲. نگاهی به حکومت مردم سالارانه حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله

اگر مؤلفه‌ی اصلی حکومت مردم سالاری را نقش و حضور مردم در ساخت نظام سیاسی و اجتماعی و حق انتخاب بدانیم، حکومت‌های حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام دو نمونه‌ی عالی از یک حکومت مردم سالارانه دینی در صدر اسلام هستند. وجود عناصری چون شورا، بیعت، اصل امر به معروف و نهی از منکر و ... نمونه‌هایی از توجه به نقش و مشارکت سیاسی مردم در حکومت‌های صدر اسلام است.

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله که مشروعیت حکومتشان از طریق وحی تشریح شده بود با حضور و پذیرش مردمی مقبولیت و تحقق عینی یافت. بررسی‌های تاریخی بیانگر این واقعیت است که شکل‌گیری و تحقق عینی قدرت سیاسی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره با حضور و رضایت عمومی مسلمانان همراه بوده است و آن حضرت با مشورت نمودن با اصحاب در بسیاری از تصمیمات مهم سیاسی و غیر سیاسی و ارجحیت دادن به نظرات اکثریت، بر این شیوه مردم سالارانه اسلامی صحه گذارده‌اند. نمونه این‌گونه برخورد را می‌توان در جنگ احد مبنی بر پذیرش رأی اکثریت بر خروج از مدینه مشاهده نمود. و همین‌طور در سیره ایشان آمده است که حضرت در جلسات با اصحابشان به صورت دایره وار می‌نشستند این عمل بیانگر آن بود که در چگونگی نشستن نیز هرکس خود را صاحب نظر بداند (فاضلی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). در همین راستا می‌توان به شیوه آن حضرت در دادن آزادی بیان و حق انتقاد «النصیحة الائمة المسلمین» نیز اشاره کرد که در حکومت ایشان به زیبایی جلوه‌گر است به گونه‌ای که برخی از تصمیمات آن حضرت چون برخورد با اسرای جنگ بدر، صلح حدیبیه، چگونگی تقسیم غنایم جنگی در جنگ حنین و ... مورد اعتراض و انتقاد صحابه قرار گرفت اما ایشان همواره با تشریح و توضیح دلایل خویش زمینه اقتناع یاران و اصحاب را فراهم می‌آورد (همان: ۶۳).

از دیگر نمادهای مردم سالارانه حکومت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، دادن حق رأی و اظهار نظر به مردم و توجه به مفهوم بیعت است. این مفهوم از اساسی‌ترین مفاهیم در حکومت اسلامی و به معنای اطاعت و التزام افراد به زعامت و رهبری در چارچوب شرع و ملتزم شدن رهبری به رعایت حقوق مردم است (پور فرد، ۱۳۸۵: ۱۵۴). و هم‌چون پلی منطقی است که جامعه و حاکم اسلامی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و حدود و ثغور روابط و تعهدات آنان را با همدگر مشخص می‌سازد (قریشی، ۱۹۹۴: ۳۲۱). گرچه بنا به نظر برخی از اندیشوران تاریخ اسلام، بیعت بر زمامداری و ولایت در حیات سیاسی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق نیافته است اما بنا به دیدگاه برخی دیگر، بیعت‌های حضرت

رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله قابلیت تفسیر بر پذیرش ولایت و زمامداری ایشان توسط بیعت کنندگان را دارد. از جمله نمونه‌هایی از تبلور یافتن مفهوم بیعت و حضور سیاسی-اجتماعی مردم در زمان حکومت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله که می‌توان بدان‌ها اشاره نمود بدین شرح است:

میثاق مدینه یا نخستین پیمان‌نامه مکتوب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با اقوام و طوایف مختلف، از مهم‌ترین و نخستین مؤلفه‌های حکومت مردم‌سالاری حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله است. آن حضرت در سال نخست هجرت‌شان به مدینه میثاقی را میان اقوام و طوایف مختلف منعقد کردند که به‌عنوان اولین قانون اساسی مکتوب از آن یاد می‌شود. این پیمان که به‌منظور نهادینه‌سازی حقوق، وظایف، تکالیف و تنظیم روابط فرمانروایی و فرمانبری و نیز حل و فصل منازعات و برقراری صلح و عدالت بین مردم ایجاد شده بود، یکی از افتخارات مکتب اسلام به‌شمار می‌آید. روح و اساس این پیمان، تأمین امنیت شهروندان، پیوند اقوام و قبایل مختلف، حفظ وحدت اسلامی، آزادی و حفظ حرمت و حقوق همه فرمانبران است. با در نظر داشت محتوا و درون‌مایه میثاق، به‌خوبی می‌توان به‌شأن، جایگاه، حقوق و منزلت مردم به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان حکومت اسلامی پی‌برد؛ چه این‌که این پیمان اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه حقوق اقلیت‌ها و دیگر طوایف غیر مسلمان نیز در آن در نظر گرفته شده‌است. آن چه نسبت به طوایف غیر مسلمان آمده‌است، این است که آنان در انتخاب دین آزادند و آنان نیز از همان مزایای مؤمنان برخوردارند و به آنان ستم نخواهد شد، که البته همه این‌ها در ذیل حاکمیت اسلام و شخص رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق می‌یافت.

همچنین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال ۸ هجری در جریان فتح مکه، با زنان مکه، پیمانی مبنی بر ایمان آوردن آنان بستند که در کتب تاریخ و حدیث به بیعه النساء شهرت یافته‌است. گفته شده که جز چند بیعت زنان که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام گرفته (بیعت عقبه دوم، بیعت رضوان و فتح مکه) گزارشی درباره بیعت زنان با خلفا و حکام وجود ندارد و ظاهراً در ادوار بعد بیعت فقط به مردان اختصاص داشته‌است (قاسمی، ۱۴۰۵: ج ۱/ ۲۷۷). که این نشان از توجه حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به جایگاه و حق رأی زنان در جامعه اسلامی است و تلاش ایشان در جهت جلب رضایت عمومی و عدم تفاوت بین زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود و همچنین نشان از وجود عناصر قوی دموکراتیک در دولت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد که همه چیز بر مبنای قرارداد شکل می‌گرفت و نه زور و اجبار.

بنابراین آن‌گونه که سیره سیاسی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بیانگر آن است، اقتدار و توانمندی حکومت اسلامی جز با حضور آگاهانه همه اقشار مردمی و قیام همگانی آنان، دست‌یافتنی نخواهد بود و فعلیت یافتن ولایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مکتب سیاسی اسلام صرفاً از طریق پذیرش و رأی مشتاقانه آنان به شریعت اسلام و رهبری حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق یافته‌است و این حضور مردم در سراسر دوره حکومتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قابل رویت و آشکار است.

۲-۲. حاکمیت امام علی علیه‌السلام و تحقق حکومت مردم سالار دینی

حکومت علوی نمونه‌ی اعلا‌ی یک حکومت مردم سالاری دینی است که در آن تمام مؤلفه‌های یک حکومت مردم سالار به عینه رخ نموده است. از نظر امام علی علیه‌السلام عرصه سیاسی حکومت حق محور، عرصه‌ای شایسته سالار است که در آن همه افراد جامعه حق مشارکت در حکومت را دارند و حکومت بر اراده و حضور آنان متکی است. در واقع نگاه امام به حکومت به مثابه وسیله‌ای برای خدمت به مردم است که پرهیز از خودکامگی و تأکید بر مشاوره با مردم، وجهی بارز آن است و در این حکومت از عامه مردم به‌عنوان ستون دین و سپر محکم در برابر دشمنان یاد شده است (سید پور، ۱۳۹۴: ۷۳).

آغاز زمامداری امام علی علیه‌السلام با مشارکت و اصرار و اشتیاق گسترده مردم در انتخابی آزادانه به شکل بیعتی همگانی همراه است. این استقبال گسترده در بیعت با ایشان از چنان مقبولیت عقلانی و حقوقی برخوردار است که برای تاریخ چند صد ساله خلافت پیش و پس از ایشان، استثنایی منحصر به فرد است و نشانی است از وجهه مردم سالاری حکومت آن حضرت. امام که در موقعیت‌های مختلف بر حدیث غدیر و موضوع مشروعیت و نصب الهی خویش در به دست گرفتن حکومت همواره تأکید می‌کردند، در کنار آن نیز نقش مقبولیت مردمی در شکل‌گیری حکومت را از نظر دور نمی‌داشتند و بنا به توصیه حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر این که اگر زمانی امت دچار تشنگی شدند و ولایت تو را نپذیرفتند آن‌ها را به حال خود رها کن، ایشان نیز پس از غصب حق حاکمیت خود، سکوت اختیار نموده و از حق خدادادی خود چشم پوشیدند. زمانی که پس از مرگ عثمان مردم به سمت وی آمده تا رهبری امت را به وی بسپارند، آن حضرت به آن‌ها فرمودند: «دعونی و التمسوا غیری» (دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۹: خطبه ۹۲). یعنی مرا رها کنید و سراغ دیگری بروید. به واقع هدف حضرت آن بود تا مردم نسنجیده و عجولانه و فقط بر اساس احساسات و عواطف اقدام به بیعت نکنند و به پیامدهای انتخاب خود نیز بیندیشند تا در صورت آمادگی برای استقبال از دشواری‌های اصلاحات بنیادین و انقلابی آن حضرت، آن‌گاه قدم پیش نهند. پس از گذشت سه روز و تداوم اصرار مردم، آن حضرت بیعت را پذیرفتند و بدین سبب است که امام می‌فرمایند: «لم تکن بیعتکم ایای فلتة» یعنی بیعت شما با من بی‌اندیشه و ناگهانی و بی‌تدبیر نبود. که این خود نشانی است از یک انتخابی آگاهانه و آزادانه (محسنی، ۱۳۸۴: ۱۴۱). حضرت به زیبایی در نهج البلاغه این نقش و حضور مردمی را در پذیرش خلافت خویش به تصویر کشیده‌اند:

«لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ، وَ لَا سَخَبِ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِيهَا» (دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۹: خطبه ۳).

«اگر اجتماع جمع حاضر نمی‌بود و حجت بر من با وجود یاورانی که پیمان بسته‌اند تمام نمی‌شد و اگر نبود که خداوند از دانشمندان پیمان گرفته بر ستم ظالم و سختی و ظلمی که بر مظلوم رفته است ساکت و بی‌تفاوت نباشد، ریسمان خلافت را بر دوش رباینده آن می‌افکنم».

نقش شورا و مشورت نیز به‌عنوان یکی از اصول مردم‌سالاری دینی در صدر اسلام به زیبایی گویای اهمیت نقش و حضور مردم و ارج نهادن به آراء آنان است که در حکومت امام علی علیه‌السلام این اصل قرآنی «أمرهم شوری بینهم» (شوری / ۳۸) به نحو احسن به کار گرفته شده است و آن حضرت در رفتار سیاسی و اجرای امور بر رایزنی با صاحب نظران و نخبگان تکیه داشتند به گونه ای که مردم را سفارش بسیار بر گفتن سخن حق با حاکم می‌نمودند؛

«پس با من چنانچه با سرکشان گویند، سخن مگویند و چنانچه با تیزخویان کنند از من کناره مجویید گمان نکنید شنیدن سخن حق بر من سنگین است... پس از گفتن حق یا رأی زدن در عدالت باز نایستید» (دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۹: خطبه ۲۱۶).

طه حسین درباره این ویژگی امام می‌نویسد:

«علی هفت امور مردم را علنا اداره می‌کرد و در هر امر بزرگ و مهمی با آنان مشورت می‌نمود و اگر آنان در امری مخالفت می‌کردند، رأی آن‌ها را می‌پذیرفت و بدان عمل می‌کرد و همین امر سبب می‌شد که آن‌ها گستاخ‌تر شوند» (طه حسین، ۱۳۵۴: ۱۸۷).

چنان‌که شهید مطهری نیز با اشاره به همین جنبه مردم‌سالارانه حکومت حضرت امیر علیه‌السلام می‌نویسد:

«امیرالمؤمنین با خوارچ در منتهی درجه آزادی و دموکراسی رفتار کرد. او خلیفه است و آنها رعیتش؛ هر گونه اعمال سیاستی برایش مقدور بود اما او زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آنها را از بیت المال قطع نکرد. به آنها نیز همچون سایر افراد می‌نگریست؛ این مطلب در تاریخ زندگی علی علیه‌السلام عجیب نیست اما چیزی است که در دنیا کمتر نمونه دارد. آنها همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خودش و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه‌رو می‌شدند و صحبت می‌کردند... شاید این مقدار آزادی در دنیا بی‌سابقه باشد که حکومتی با مخالفین خود تا این درجه با دموکراسی رفتار کرده باشد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

مدارا و مشارکت دادن مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش که امروزه در کشورهای غربی تحت عنوان دموکراسی و دادن حق رأی به مردم از آن یاد می‌شود و آن را میراث حکومت مردم‌سالاری یونان می‌دانند، در سنت تاریخی حکومت‌های صدر اسلام چون حکومت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام به طور کامل اجرایی و به عنوان تجربه‌ای تاریخی، الگوی شکل‌گیری حکومت‌های مردم‌سالار اسلامی در دوره معاصر گردیده است.

بر خوداری انسان‌ها از اصل آزادی در حوزه سیاست و اجتماع، از دیگر شاخصه‌های حکومت علوی است. آن حضرت در ایام حاکمیت خویش بر جامعه اسلامی، با همه بحران‌هایی که با آن روبرو بودند، مردم را به امری که به آن رغبت نداشتند اجبار نمی‌کردند زیرا مجبور نمودن انسان‌ها بر کاری بدون علاقه و میل، با هدف تعالی انسان‌ها در تضاد است. در حکومت علوی مردم در برابر حق و قانون و در توزیع بیت‌المال از برابری و مساوات برخوردار بودند. حتی به کارگزاران حکومت سفارش می‌شد که در برخورد با مردم نیز مساوات را رعایت کنند و همین طور آزادی عقیده و بیان، محترم اما تفتیش عقاید روا نبود و کسی به دلیل داشتن عقیده‌ای مجازات و یا از بیان آن منع نمی‌شد (ثواقب، ۱۳۹۱: ۱۷ و ۱۶).

یکی دیگر از مؤلفه‌های حضور مردمی و ارج نهادن به نقش مردم توسط امام علی علیه‌السلام، مسأله نظارت است. امام تأکید داشتند که مردم باید نسبت به حاکمیت سیاسی و حکومت، نظارت مستقیم داشته باشند. امروزه نیز نظارت و کنترل، یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های آزادی سیاسی در حاکمیت سیاسی به حساب می‌آید. امام به کارگزارانشان دستور می‌دادند تا به طور علنی چگونگی فعالیت‌های کارمندان را تحت نظر قرار دهند تا از این طریق حقی از مردم ضایع نگردد و ظلمی پدید نیاید. خود حضرت نیز همواره خود را در معرض دید و نظارت مردم قرار می‌دادند. ایشان در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:

«مبادا که دور از چشم مردم در سرا پرده سیاست بمانی که غیبت زمامداران از ملت، منشأ کم آگاهی از جریان‌های کشور باشد و غیبت از مردم پیوندشان را با آن چه پس پرده است می‌گسلد و در نتیجه مسائل بزرگ را در چشمشان کوچک و مسائل کوچک را بزرگ می‌کند، زیبایی‌ها زشت و زشتی‌ها، زیبا جلوه می‌کند و حق و باطل در هم می‌آمیزد...».

با نگاهی گذرا به نهج البلاغه به ویژه عهدنامه مالک اشتر حضور و نقش مردم را در حکومت علوی در ضمن مولفه‌های ذیل می‌توان مشاهده کرد؛ لزوم مشورت با مردم، پرهیز از ظلم و بی‌عدالتی، جلب رضایت خداوند از طریق رضایت مردمی، راز داری و خطا پوشی، لزوم دوستی با مردم، رعایت معیارهای قضاوت اسلامی و تساوی همگان در برابر قانون، تأمین امنیت اجتماعی در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی، نظامی و اقتصادی، تأمین رفاه مردم، تعلیم و تربیت شهروندان، انجام امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از راهکارهای نظارتی نسبت به دولتمردان و ... که همه این مسائل از یک منبع سرچشمه می‌گیرد و آن تکریم و تعظیم انسان و رعایت حقوق انسانی در تمامی زمینه‌هاست. چنین رویکردی نسبت به مردم و حکومت است که حکومت علوی را به یک حکومت آرمانی در تاریخ بدل کرده است چه اینکه در چنین حکومتی دولتمردان، خدمتگزاران مردم به حساب می‌آیند و مردم در عین اینکه مطیع هستند، مخدوم نیز هستند (فاضلی، ۱۳۹۰: ۷۰ و ۶۸). وجود چنین پشتوانه و الگوی حکومتی در صدر اسلام یکی از مهم‌ترین مشوق‌های متفکران مسلمان در دوره معاصر گردید تا بر پایه آن حکومتی اسلامی را در زمان فعلی پی‌ریزی نمایند.

۳. دوران معاصر و بازآفرینی الگوی نظری و عملی حکومت مردم‌سالاری دینی

پس از پایان دوران شکوفایی تمدن اسلامی و نشستن گرد رکود و بی‌رونقی بر چهره جهان اسلام، متقابلاً جهان غرب که در سده‌های میانی در تاریکی و جهل مطلق به سر می‌برد، دوران شکوفایی خود را آغازیدن نمود و توانست در طی چندین سده، گوی سبقت را در علم و ترقی از تمدن اسلامی ربوده و طلایه‌دار جریان علمی و صنعتی در دوران معاصر گردد. همزمان با این روند و شکل‌گیری جریان‌های استعماری موازی با اهداف سیاست خارجی غرب، جامعه ایران در عهد قاجاریه و پهلوی به‌علت وجود بحران‌های داخلی چون انعقاد قراردادهای یکجانبه و از دست رفتن بسیاری از مرزهای ایران و هم‌چنین نفوذ قدرت‌های استعماری در بسیاری از شئون حکومتی، دچار رکود عمیقی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردید. در همین زمان است که برخی از علمای شیعی در پی مشاهده چنین اوضاعی، بنا به قرائت دوباره متون سیاسی اسلام و بازگشت به الگوهای حکومت‌داری صدر اسلام، سعی در ارائه نظریات سیاسی در جهت بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی در دوره معاصر نمودند و موفق شدند هم در قالب نظر و هم در عمل، نظام مردم‌سالار دینی پی‌ریزی نمایند که خود الگویی گردد برای بسیاری دیگر از کشورهای مسلمان در ساخت نظامی سیاسی مبتنی بر اسلام و مردم‌سالاری.

۳-۱. علمای مشروطه خواه و تدوین نظریه مردم‌سالار دینی

پس از آن که غرب میدان دار عرصه پیشرفت‌های علمی و صنعتی در دوران مدرن گردید، آن زمان بود که صاحب نظران و علمای مسلمان به خود آمده و پرسش از علل عقب افتادگی جهان اسلام در مقابل جهان غرب را مطرح و در پی چاره‌جویی افتادند. ایران به‌عنوان مهم‌ترین منطقه استراتژیک در طول تاریخ و کشوری که مهم‌ترین نقش را در ساخت تمدن اسلامی داشته و هم‌اکنون نیز الگویی منحصر به فرد در میان کشورهای اسلامی و خاورمیانه است، با روی‌آوری به اقتباس از نظام سیاسی غرب در نوع حکومت‌داری، به دفاع از برخی از مظاهر دموکراسی غربی پرداخت و سعی در پیاده‌سازی آن در قالب نهضت مشروطه کرد. جدای از این که این نهضت که شاید جرقه ابتدایی آن توسط مطالبه‌گران نهضت عدالتخانه زده شد، تاچه حد در رسیدن به اهداف خود موفق بوده، نقش مهمی است که علمای مشروطه خواه برای نخستین بار در تدوین نظریه مردم‌سالاری دینی داشته‌اند.

علمای صاحب نظر عصر مشروطه، ریشه تمام مسائل عدیده کشور را در ناکارآمدی و استبداد نظام سیاسی و عدم پیروی آن از اصول عدالت و قانون می‌دانستند و از این روی مقید کردن عملکرد سلطان و نظام حکومتی به اصول عدالت و قانون و تفکیک قوای حکومتی در کنار اعمال ولایت فقها از طریق نظارت بر مصوبات مجلس شورای ملی را به صورت نظریه سیاسی مشروطه شیعی

ارائه دادند (تقی لو، ۱۳۹۴: ۶۷). از میان علمای مشروطه خواه که به ارائه الگوی مردم سالار دینی پرداخت، علامه محمد حسین نائینی است که به لحاظ قوت نظریه پردازی و استدلال از دیگر علمای هم عصر خود برتری دارد. وی در کتاب «تنبيه الامه و تنزيه المله» با رهیافتی جدید به حکومت و سیاست پرداخته که در نوع خود از نظر دقت و نوآوری و ارائه راه حل برای هموار شدن زمینه حاکمیت کامل اسلام، بی نظیر است. علامه با تسلط بر مبانی دینی و احکام الهی و گستردگی اطلاعات، موفق به ارائه نظریه‌ای گردید که هم با مردم سالاری دینی قابل تطبیق باشد و هم مبانی دینی نادیده گرفته نشود (فاضلی، ۱۳۹۰: ۳۵).

وی به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز تحول‌گرای شیعه مدافع حکومت مشروطه با مفروض قرار دادن مشروعیت الهی حکومت اسلامی، رویه عملی حکومت در صدر اسلام را شورایی عادلانه و مبتنی بر آزادی و مساوات دانسته و علل انحطاط مسلمانان را نیز دور شدن از این اصول ذکر می‌کند و همچنین در ضرورت تشکیل دولت دینی یادآور می‌شود که شریعت اسلام، احکام مفصلی برای ارکان اصلی حاکمیت و دولت داراست و تکمیل نواقص و نیازهای اجتماعی و حکومتی و بیان شرایط و قیود حاکمیت بر وجه انبیاپی و عقلایی همواره مورد اهتمام آن بوده است. علامه نظریه سیاسی اسلام را چنین تقریر می‌کند که حاکمیت و دولت در مقام مالکیت و فاعلیت مایشاء نیست بلکه اساس حاکمیت صرفاً بر انجام وظایف و تأمین مصالح نوعی است که بدون تشکیل حکومت، تأمین نمی‌شود (گروه پژوهشگر، ۱۳۸۷: ۱۱ و ۱۲).

وی با استناد به مستندات و استدلال‌های عقلی و شرعی نظام استبدادی را محکوم می‌کند و پس از آن به تأیید مشروطه می‌پردازد. علامه پس از نفی استبداد و عدم امکان عملی حکومت معصوم و فقیه در آن زمان به حکم ثانوی از باب کاهش استبداد به حکومت مشروطه و لوازمش که مجلس و مشارکت مردم است در امر حکومت می‌رسد. وی معتقد بود در حکومت اسلامی، مردم حق مشارکت و حق اعتراض و انتقاد به حکومت را دارند و مقهور اراده شخصی حاکم و متصدیان حکومتی نمی‌باشند و این حکومت، مقید، محدود و مشروطه و قانونی است. نیاز به قانونی کردن این مشروطیت، نیازی ضروری در عصر غیبت است. ایشان در برابر این دیدگاه که مگر می‌توان بر اساس شریعت اسلام و فقه شیعی، قانون اساسی نوشت و برای اداره حکومت ضوابط دینی گذارد و آیا تعبیری چون حکومت دینی یا قانون دینی و مشروطیت و آزادی دینی، قابل تبیین است، قاطعانه پاسخ مثبت داده و گفته است که وقتی از یک حدیث سه کلمه‌ای « لا تنقض الیقین بالشک » صدها و هزاران صفحه نظریه فقهی و اصولی درباب اصل استصحاب استخراج می‌شود، چرا از هزاران آیه و روایت ناظر به مسائل حکومتی و اجتماعی، اعم از حقوقی و اقتصادی و سیاسی، نتوان پیچیده‌ترین قوانین دولتی و آیین‌نامه‌ها استخراج کرد و اساساً مفهوم مشروطیت و نظارت و مسئولیت در امور حکومتی، مفاهیمی اصالتاً اسلامی و شیعی‌اند و مشروطیت به‌نوعی الهام از دین خود ماست که با مقداری تصرفات غیر دینی دوباره به ما بازگشته است (همان: ۲۹).

بنابراین تلاش‌های نائینی، مردم‌سالاری را در سطح تقنین مورد توجه قرار داد. وی با نگاه کارکردگرایانه به حکومت مشروطه و نقش مردم در آن، رأی اکثریت، قانون اساسی، آزادی، برابری و مساوات را مطرح نمود. انتخاب این گونه وظایف و کارکردها که نائینی بر اساس متون شیعی به ترسیم آن می‌پردازد در وهله اول حکومت معصوم است که به دلیل غیبت وی، با استناد به متون دینی و عقلی به حاکمیت جمعی از طریق مشروطه و مجلس روی می‌آورد که این خود آغاز تدوین تئوری‌پردازی حکومت مردم‌سالار اسلامی در دوره معاصر و زمینه‌ساز شکل‌گیری حکومت مردم‌سالار جمهوری اسلامی در چند دهه بعد است.

شیخ فضل‌الله نوری یکی دیگر از برجسته‌ترین علمای سنت‌گرای مشروطه است که صادقانه سر در این راه داد. وی ضامن مشروعیت بودن مشروطه را در اعمال ولایت فقیه می‌دانست (تقی‌لو، مشروطیت و جمهوری اسلامی نظریه شیعه در گذار از تقابل سنت و تجدد، ۱۳۹۴: ص ۷۲ و ۷۳). گرچه برخی به عدم اشاره شیخ به بحث ولایت فقهی اشاره دارند و می‌گویند که شیخ صرفاً به ولایت فقیه در امور حسبیه و افتاء و قضاء اعتقاد داشت نه ولایت سیاسی، اما با مروری بر گفته‌های شیخ مشخص می‌گردد که ایشان به ولایت فقهی به عنوان حاکمان به حق جامعه اسلامی در زمان غیبت معصوم معتقد بودند و بدان اشاره داشته‌اند. وی به صراحت می‌گوید:

«حکومت در زمان غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی با فقهاء و مجتهدین است، نه فلان بقال و بزاز و اعتبار { دادن به ولایت از طریق } اکثریت آراء به مذهب امامیه غلط است» (نوری، لوایح، ۱۳۶۲: ج ۴/ ۷۱).

در لوایح متحصنان زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام، مشروعیت خواهان بعد از بیان صریح عدم مخالفت شیخ و مشروعیت خواهان با مشروطه و مجلس و نیز بیان محاسن مجلس و شورا در امور عرفی برای جلوگیری از ظلم، در ادامه به مطلبی تصریح نموده که گویای دیدگاه ایشان درباره ولایت فقیه است و به صراحت مشروعیت استقلالی حکومت غیر فقیه در زمان غیبت را انکار کرده و بر نیابت عامه فقیه تأکید کرده است.

رویکرد شیخ فضل‌الله به مشروطه مشروعیت و ولایت فقیه در کنه و ظاهر بیانیه‌های ایشان مشهود است وی در مقام یکی از پیشگامان علمی و عملی نهضت بیداری اسلامی توانست با پرده‌برداری از انحراف مشروطیت از اصول واقعی اش، به ارائه نظریات خود پیرامون مردم‌سالاری دینی بپردازد و در معرفی الگوی نظام‌سازی شیعه و ابتدای ورود فقهاء به عرصه سیاسی تلاش کند و این در کنار پیشنهاد وی بر نظارت هیئت پنج نفره‌ای از علما و مجتهدان برای نظارت بر مصوبات مجلس است که به‌عنوان یک ابزار کنترلی، حاکمیت مردم را نیز مورد پذیرش و در طول حکومت خداوند قرار قرار داد. امروزه نیز ثمره آن در شکل‌گیری نهادی به نام شورای نگهبان نمایان است.

از دیگر علمای مشروطه خواه که در تحول نظریه سیاسی شیعه مطابق با مقتضیات زمان نقش ایفا نمودند باید به سید محمد طباطبایی، عبدالله بهبهانی، شیخ اسماعیل محلاتی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و... اشاره نمود که در فرایند مبارزه علیه استبداد و محدود کردن قدرت پادشاه، حجیت دادن به رأی و مشارکت مردمی در امر حکومت، حمایت از شعارهای برابری، آزادی، قانون اساسی در قالب مکانیسم‌هایی چون مشروطیت، مجلس شورا و تفکیک قوا تلاش‌های بسیار نمودند و توانستند به تدوین و تنظیم حکومت مردم‌سالار دینی در قالب نظریه سرعت ببخشند و زمینه را برای نظام سازی بر پایه این نظریه در جمهوری اسلامی فراهم آورند.

۲-۳. جمهوری اسلامی و نظام سازی مردم سالاری دینی

در اندیشه سیاسی شیعه و در فضای فکری انقلاب اسلامی برای اولین بار نوعی گذار از نظام پادشاهی در عرصه نظام سازی صورت گرفت. این روند که آغازش را باید در دوره مشروطه و نظریه سازی مردم سالاری دینی در سطح تقنین جست و جو کرد، پس از انقلاب و با بازخوانی مجدد حضرت امام رحمت‌الله‌علیه از حکومت‌های صدر اسلام و متون دینی مبنی بر اندیشه تشکیل حکومت و اهمیت بخشیدن به حضور مردم در سطوح سیاسی و اجتماعی، جامعه ایرانی برای اولین بار موفق به ارائه الگویی منحصر به فرد از مردم سالاری دینی تحت عنوان حاکمیت ولایت فقیه گردید. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در پی تقابل با اندیشه‌های سکولاریستی و ناسیونالیستی، به طرح اندیشه ولایت فقیه به عنوان نظریه سیاسی جدید تشیع در دوره معاصر پرداخت. ایشان بحث حکومت دینی و ولایت فقیه را در چارچوب نظم جدیدی مطرح کردند که دیگر نظم سلطانی نبود، بلکه نظمی مردمی است، یعنی قرار است مناسبات سیاسی-اجتماعی در این حکومت بر اساس خواست و رأی مردم شکل بگیرد به همین دلیل است که بین ولایت فقیه و جمهوریت نوعی سازگاری و هم نشینی صورت می‌گیرد. امام رحمت‌الله‌علیه در بحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی معتقد هستند که ولایت و حق حاکمیت به عنوان یک تکلیف به فقیه واجد شرایط رسیده است. بر اساس تفکیک مقام ثبوت و اثبات در تکالیف شرعی، می‌توان گفت که در مقام ثبوت، ولایت به فقیه واجد شرایط می‌رسد و او در رأس حکومت اسلامی قرار می‌گیرد، در این جا رأی مردم نقشی ندارد و مشروعیت فقیه بر اساس ویژگی‌هایی است که بدست آورده است. اما مقام اثبات که مقام تنجز تکلیف یا مقام قطعی شدن تکلیف حکومت بر فقیه است، شامل فقیه عادل دارای مشروعیتی خواهد شد که رأی و رضایت مردم را داشته باشد و مردم با رأی خود به فقیه عادل این اجازه را می‌دهند که بر آن‌ها حکومت کند (میراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۴۷).

حضرت امام رحمته‌الله‌علیه نظریه سیاسی خویش را بر لزوم برقراری حکومت اسلامی در دوره معاصر و عرضه الگویی از حکومت اسلامی در دوره مدرن با چشم‌انداز شکل‌گیری تمدن اسلامی پی‌ریزی کردند و در سخنی این‌گونه به بسط نظریه سیاسی حکومت اسلامی پرداختند:

«استعمارگران به نظر ما آوردند که اسلام حکومتی ندارد، تشکیلات حکومتی ندارد بر فرض که احکامی داشته باشد، مجری ندارد و خلاصه اسلام فقط قانون‌گذار است. واضح است که این تبلیغات جزئی از نقشه‌های استعمارگران است برای باز داشتن مسلمین از سیاست و اساس حکومت، این حرف با معتقدات اساسی ما مخالف است. ما معتقد به ولایت هستیم و معتقدیم پیامبر(ص) باید خلیفه تعیین کند و تعیین هم کرده است... این عقلا لازم است خلیفه تعیین کند برای حکومت است. ما خلیفه می‌خواهیم تا اجرای قوانین کند. پس از تشریح قوانین باید قوه مجریه‌ای پدید آید. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاه‌ها را اجرا می‌کند و ثمره قوانین و احکام عادلانه را عاید مردم می‌سازد. به همین جهت اسلام همان‌طور که قانون‌گذاری کرده است قوه مجریه هم قرار داده است» (خمینی، ۱۳۵۷: ۲۷).

بدین صورت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به گسترش حوزه اختیارات فقیه از افتاء و قضاء به حوزه امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و محول کردن اجرای قانون و سیاست‌ها به ولی فقیه اقدام کردند تا تفسیری جدید از مردم‌سالاری دینی در ذیل حاکمیت ولایت فقیه ارائه داده باشند. این تفسیر بدین گونه روایت می‌شود که ولایت فقیه برخاسته از آرای عمومی است و پس از احراز صلاحیت فقیه از طریق نص، انتخاب ولی فقیه به دست مردم خواهد بود و فعلیت یافتن و مقبولیت وی بستگی به اقبال عمومی دارد.

حضرت امام رحمته‌الله‌علیه که گفته شده به کارگیری اصطلاح مردم‌سالاری دینی در دایره واژگان‌شان مسبوق به سابقه نیست، در تعریفی که از جمهوری اسلامی داده‌اند به زیبایی مفهوم مردم‌سالاری دینی را ترسیم نموده‌اند؛

«جمهوری هم معنایش را می‌فهمیم که باید ملت رأی بدهند. این را قبول داریم، اما آن دموکراتیکش را حتی پهلوی اسلامش بگذارید، ما قبول نداریم. اینکه ما قبول نداریم برای این که اهانت به اسلام است؛ شما این را پهلوی می‌گذارید که اسلام دموکراتیک نیست و حال آن که از همه دموکراسی‌ها بالاتر است، ما از این جهت این را قبول نمی‌کنیم. اصلاً پهلوی این را بگذارید مثل این است که بگویید جمهوری اسلامی بی‌عدالتی است. این توهین به اسلام است برای اینکه عدالت متن اسلام است از این جهت این را هم ملت ما قبول نکردند» (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۶۸: ۴۵۹).

پس از رحلت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و آغاز ولایت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان ترجیح دادند که در کنار «جمهوری اسلامی» از اصطلاح «مردم‌سالاری دینی» نیز استفاده کنند و آن نیز ضرورتی بود که توسعه جمهوری اسلامی ایجاب می‌کرد. در واقع به کارگیری این اصطلاح توسط ایشان، نه در

تناقض با جمهوری اسلامی بلکه در جهت توسعه ظرفیت مردمی نظام سیاسی جمهوری اسلامی بود.

«بعضی خیال می‌کنند ما که عنوان مردم‌سالاری دینی را مطرح کردیم، حرف تازه‌ای را به میدان آوردیم؛ نه. جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی.» (بیانات رهبری در جمع مردم کاشان، ۸۰/۸/۲۰)

ایشان در جایی دیگر این گونه بیان می‌کنند:

«در این کشور و در این نظام، اسلام با جمهوریت همراه است. جمهوریت ما از اسلام گرفته شده و اسلام ما اجازه نمی‌دهد در این کشور مردم سالاری نباشد. ما نخواستیم جمهوریت را از کسی یاد بگیریم؛ اسلام این را به ما تعلیم داد و املاء کرد. این ملت، متمسک به اسلام و معتقد به جمهوریت است. در ذهن این ملت و در این نظام، خدا و مردم در طول هم قرار دارند.» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

«امروز مردم سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح می‌کنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر این که ما شاخه‌ای از مردم سالاری را ارائه می‌دهیم؛ نخیر، ما در واقع در مردم‌سالاری‌های دنیا شبهه می‌کنیم.» (بیانات رهبری در دیدار هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵).

مقام معظم رهبری در ادامه گسترش مفهوم مردم سالاری دینی، به ظرفیت این ایده سیاسی جدید در پوشش دادن کشورهای مسلمان منطقه تاکید دارند تا از آن طریق زمینه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم آید.

۴. ظرفیت الگوسازی نظام مردم‌سالاری ایران در افق ۱۴۱۴ ه.ش. و شکل-گیری تمدن اسلامی

تشکیل نظام دارای یک فرایند بینشی و یک فرایند تحقیقی است، در فرایند بینشی به طور طبیعی باید کسی که معمار و طراح این نظام است برای طرح نظریه خود به یک جمع‌بندی اولیه رسیده باشد که قصد تحقق چه ساز و کاری را دارد. اما آن چه در ساز و کار و شکل‌گیری و تحقق یک نظام بیشتر تعیین کننده است، واقعییتی است که اتفاق افتاده و آن اینکه در جمهوری اسلامی مردم با امام همراهی کرده و ساختار گذشته را فروپاشیدند و در ایجاد یک ساختار جدید مشارکت کردند. ایده امام رحمت‌الله‌علیه نیز بر همین تکیه داشت که مردم را به صحنه آورده و با مشارکت دادن و استفاده حداکثری از انگیزه مذهبی مردم، در آن‌ها قدرت مقاومت ایجاد کرده و با شکل‌گیری این حرکت اجتماعی به تدریج شاکله نظام را مشخص و مستحکم نماید (پیروزمند، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

پس از انقلاب اسلامی، با تدبیر حضرت امام رحمت‌الله‌علیه و با تکیه بر مشارکت و رأی مردمی، ارکان و شاکله جمهوری اسلامی پی‌ریزی گردید و نظام‌سازی موفق مبتنی بر مردم‌سالاری دینی برای اولین بار شکل گرفت، از جمله مصادیق این نظام‌سازی موفق می‌توان به تدوین قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، تشکیل قوه قضاییه و سایر نهادهای انقلابی اشاره نمود که خود الگویی برای سایر ملت‌های مسلمان منطقه بوده است. به واقع جمهوری اسلامی توانست پس از حدود صد سال، تمام آمال و آرزوهای مطرح شده توسط بیدارگران اسلامی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی را به‌تمامه عینیت بخشد و به نوعی هم مولود و هم مولد اندیشه‌بیداری اسلامی و ساخت حکومت‌های مردم‌سالاردینی در منطقه گردد و انتظار می‌رود این رویه در سال‌های آتی و دهه پنجم حیات جمهوری اسلامی ادامه داشته باشد. رهبر معظم انقلاب این الگو‌پذیری از انقلاب و نظام اسلامی را این‌گونه وصف می‌نمایند:

«آن‌ها مشاهده می‌کنند که این انقلاب آمد، نظام درست کرد و این نظام باقی‌ماند، روزبه‌روز قوی‌تر شد، روزبه‌روز هم پیشرفته‌تر شد؛ این می‌شود الگو. این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می‌آورد که آن گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی است.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷)

ملت‌ها و کشورهای مسلمان بالاخص کشورهای منطقه خاورمیانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم سعی در الگو‌گیری و بهره‌وری از دستاوردهای سیاسی و فرهنگی این حکومت نموده‌اند. از آن‌جایی که ایران جزء اولین کشورهای اسلامی است که موفق به ارائه الگویی مستقل و منحصر به فرد از حکومت مردم‌سالار دینی شده است، همواره نزد بسیاری از کشورهای اسلامی جذابیت خاصی را یافته است. رهبر معظم انقلاب در سخنی این‌گونه صدور فکر مردم‌سالاری و تأثیر انقلاب اسلامی را یادآوری می‌کنند:

«امروزه انقلاب اسلامی توانسته است فکر خود را در دنیا منتشر کند؛ علی‌رغم همه سانسورهایی که دشمنان انقلاب اسلامی اعمال کردند، علی‌رغم فشارهایی که آوردند. امروز این فکر، فکری است که رایج شده، فکر مردم‌سالاری دینی، فکر حاکمیت معنویت و دین، فکر حضور مردم در عرصه‌های فکری مقابله با زورگویی‌های قدرت‌های جهانی و بلوک‌های قدرتمند جهانی ... و هیچ‌کس در دنیا نیست که تأثیر انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران در این حوادث (تحولات کشورهای منطقه) را انکار کند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۵)

در واقع ملت‌های مسلمان منطقه برای حل پارادوکس‌های تاریخی در حیات اجتماعی خویش، مبتنی بر ایده‌ها، جهان‌بینی و انگاره‌های اسلامی و هویتی فراملی و فرا‌ناسیونالیستی در قالب امت واحد اسلامی، حرکتی را آغاز کرده‌اند که نوعی مردم‌سالاری اسلامی را نوید می‌دهد. رهبر معظم انقلاب با دور‌اندیشی سعی در آسیب‌شناسی این قیام‌ها و هدایت افکار به سمت الگو برداری از نمونه موفق حکومت مردم‌سالاری دینی در دوره کنونی دارند؛

«نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شماست. این کار، پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی یا ناسیونالیسم افراطی یا گرایش‌های چپ مارکسیستی را به شما تحمیل کنند. یکی از خواسته‌های مردم، حضور و نقش مردم و آراءشان در مدیریت کشور است و چون مؤمن به اسلامند، پس مطلوب آنان نظام مردم‌سالاری اسلامی است؛ یعنی حاکمان با رأی مردم انتخاب شوند و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه، اصول مبتنی بر شریعت اسلامی باشد، ولی با حساسیت کامل باید مراقب بود که این دموکراسی با دموکراسی لیبرال عربی اشتباه نشود. دموکراسی لائیک و در مواردی ضد مذهبی غربی با مردم‌سالاری اسلامی که معتقد به ارزش‌ها و خطوط اصلی اسلام است، هیچ نسبتی ندارد» (بیانات مقام معظم رهبری در افتتاحیه کنفرانس بیداری اسلامی و فلسطین، ۹۰/۶/۲۶).

از جمله ظرفیت‌های الگوی مردم‌سالار اسلامی که می‌تواند برای سایر کشورهای اسلامی محل الگو برداری باشد و از آن طریق با نه گفتن به الگوهای غیر بومی و غربی، با شکل‌دادن نظام حکومتی مبتنی بر دین اسلام، راه را برای شکل‌گیری تمدن جدید اسلام مهیا نمایند، بدین شرح است؛ در وهله اول می‌توان گفت ایده‌رهایی از سلطه‌بیگانگان و به نوعی موج جدید بیداری اسلامی با الگو برداری از ظرفیت نظام مردم‌سالاری ایران، در پی تغییر نظام حکومتی خویش است و در واقع مردم‌سالاری اسلامی راه‌حل برون‌رفت کشورهای اسلامی از چالش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. توفیق انقلاب اسلامی در نظام‌سازی و ایستادگی ملت ایران برای ماندگاری نظام اسلامی و پیشرفت‌های ایران اسلامی در عرصه‌های علمی، فناوری، اقتصادی و صنعتی و در یک جمله توسعه کشور، از دیگر شاخص‌های مهم گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی و مردم‌سالاری اسلامی به‌شمار می‌رود که قابلیت صدور دارد. فلسفه سیاسی و مبانی نظری روشن مردم‌سالاری اسلامی و تجربه کاربست آن در نظام‌سازی ایران، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تمرکز بر مسأله محوری آرمان فلسطینی دستمایه ارزشمندی برای اجماع نخبگان و توده‌های مردم در کشورهای منطقه به منظور تجدید حیات و عظمت از دست رفته را موجب شده است که در الگوهای به بن بست رسیده لیبرالیستی و سوسیالیستی نمی‌توان از آن سراغی یافت (هزاوه ای، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

به‌طور کلی انقلاب اسلامی با نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، تکیه بر اسلام‌گرایی و معنویت باوری، تاکید بر ضرورت احقاق حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، بر هم زدن هنجارهای سلطه‌جویانه بین‌الملل و خدشه‌دار کردن معادلات سیاسی و امنیتی قدرت‌های بزرگ توانسته است جایگاه واقعی سیاست غیر متعهد را بر اساس عزت اسلامی و افتخار جهانی بازنماید و استقلال عمل و نظر خود را در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست بین‌الملل به‌منصه ظهور برساند. و به این ترتیب ظرفیت‌های بین‌المللی و جهانی خود برای تمدن‌سازی و پیشگامی در تمدن نوین اسلامی را نمایان سازد (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

۵. نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین اهداف دین مبین اسلام، هدایت و جهت دهی استعداد‌های انسان است که در این راستا تشکیل حکومت مردم‌سالار از ملزومات آن معرفی شده است. چنانچه منابع دینی چون قرآن به طور صریح به بسیاری از شاخصه‌های حکومت مردم‌سالاری چون آزاد اندیشی، عدالت، شورا، بیعت و... اشاره نموده و تجربه موفق حکومت‌های مردم‌سالار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام نیز خود نشانی است از پیوند ناگسستنی دین و سیاست. این الگوهای حکومتی در دوره معاصر و هم‌زمان با آغاز موج‌های بیداری اسلامی در مقابله با اندیشه استعماری و رسوخ مدل‌های حکومتی ناکارآمد و غیر بومی غرب، دستاویزی برای کشورهای مسلمان شد تا بر اساس آن علمای مسلمان به نظریه پردازی در حوزه سیاسی پردازند. جرقه اولیه این اتفاق را باید ابتدا در آثار علمایی چون آیت الله نائینی و شیخ فضل الله نوری جستجو نمود، زمانی که آنان در پی محدود نمودن استبداد و اختیارات سلطان و دادن حق رأی به مردم در ذیل قوانین اسلام برآمدند و توانستند نظریه مردم‌سالاری دینی را در سطح تقنین و نظریه پردازی پیاده نمایند. انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی گام نهایی در عملی نمودن نظریه مردم‌سالار دینی را برداشت و با پشتوانه نظری دوره مشروطه و همچنین تفسیر حضرت امام رحمت‌الله‌علیه از متون دینی، فقهی و تاریخی، برای اولین بار نظریه ولایت فقیه به عنوان نظریه‌ای دینی و مردمی در دوره معاصر ارائه گردید. هدف نظام مردم‌سالار دینی ایران آن چنان که معمار آن بیان داشته، بازسازی دوباره تمدن اسلامی است که در این زمینه صدور مدل حکومتی جمهوری اسلامی به دیگر کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، گامی مهم و حیاتی است در پیشبرد و رسیدن به این هدف.

منابع

قرآن

- بیانات رهبری، ۹۰/۶/۲۶؛ ۸۰/۸/۲۰؛ ۸۲/۱۱/۲۴؛ ۸۰/۶/۵؛ ۹۰/۶/۱۷؛ ۹۱/۷/۲۵.
- پور فرد، مسعود (۱۳۸۵)، «قرآن؛ جمهوریت و مردم سالاری»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، بهار، شماره ۴۵، از صفحه ۱۴۴ تا ۱۶۱.
- پیروزمند، علی رضا (۱۳۹۰)، «مردم سالاری دینی: میثاقی با امام جامع-نظام سازی مبتنی بر مردم سالاری دینی»، سوره اندیشه، بهمن و اسفند، شماره ۵۷ و ۵۶، از صفحه ۱۴۹ تا ۱۵۳.
- تقی لو، فرامرز (۱۳۹۴)، «مشروطیت و جمهوری اسلامی: نظریه سیاسی شیعه در گذار از تقابل سنت و تجدد»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۴، از صفحه ۶۵ تا ۸۴.
- ثواب، جهانبخش (۱۳۹۱)، «مبانی و شاخصه های حکومت علوی»، پژوهش نامه علوی، پاییز و زمستان، شماره ۶، از صفحه ۱ تا ۲۶.
- خرمشاد، محمد باقر (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، تمدن نوین اسلامی»، مجله راهبرد فرهنگ، پاییز، شماره ۲۳، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۵۴.
- خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله الموسوی (۱۳۸۹)، ولایت فقیه، تهران: امیرکبیر.
- دشتی، محمد (۱۳۸۹)، نهج البلاغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سدیدپور، سعیده سادات (۱۳۹۴)، محمد ابراهیم سنجقی، حسین شیرازی، «الگوی حکومت مردم سالاری دینی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)»، فصلنامه مدیریت اسلامی، پاییز، شماره ۳، از صفحه ۷۱ تا ۹۴.
- طه حسین (۱۳۵۴)، علی و فرزندان، محمدعلی شیرازی، تهران، گنجینه.
- فاضلی، میرزا حسین (۱۳۹۰)، جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از دیدگاه آیت الله نائینی و شهید صدر، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- قاسمی، ظافر (۱۴۰۵)، نظام الحکم فی الشریعہ و التاریخ الاسلامی، بیروت.
- قریشی، باقر شریف (۱۹۹۴)، النظام السیاسی فی الاسلام، بیروت: دارالمرتضی.
- گروه پژوهشگر (۱۳۸۷)، مشروطه شرعی و مشروعه شرعی، موسسه طرحی برای فردا.
- محسنی، علی (۱۳۸۴)، «امام علی (ع) و رویکرد مردمی به مقوله حکومت و خاستگاه آن»، مجله دانش سیاسی، بهار و تابستان، شماره ۱، از صفحه ۱۲۹ تا ۱۵۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران، صدرا.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۲)، «مردم سالاری اسلامی به جای جمهوری اسلامی؛ بررسی اهداف و دستاوردهای مردم سالاری دینی»، سوره اندیشه، شماره ۷۱ و ۷۰، از صفحه ۱۴۷ تا ۱۴۹.
- نوری، شیخ فضل الله (۱۳۶۲)، لوايح، به کوشش هما رضوانی، تهران، تاریخ ایران.
- هزاوه‌ای، سید مرتضی (۱۳۹۱)، محدثه حیدری، «مردم سالاری دینی در ایران و ظرفیت الگوسازی آن در کشورهای اسلامی منطقه»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۲، پاییز، صص ۱۹۸-۱۷۳.

Research Article

A look at the background and capacity of religious democracy and its role in the realization of modern Islamic civilization in the horizon of Iran 1414

Khadijah Hashemi¹ and Fatemeh Dashti²

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

Religious democracy is one of the important indicators of government in Islam. The government of the Holy Prophet (peace and blessings of Allah be upon him) and Imam Ali (peace be upon him) are considered as historical examples of religious democracy, which include the components of democracy in their government. He pointed to allegiance as the most important symbol of religious democracy and other indicators such as justice, security, freedom of expression, etc. In the contemporary era and at the same time as the formation of the constitutional revolution in Iran, some experts tried to present a model of religious democracy. Islamic Revolution This theory was objectified in a systematic form under the name of the Islamic Republic. In this research, while examining the historical course of democracy in Islam, we try to answer the question of what are the indicators of religious democracy in the political culture of Islam and its role in the construction of modern Islamic civilization and its realization in the horizon of 1414 Iran. What is the flag bearer of the rebirth of Islamic civilization?

Keywords: religious democracy, government, Islam, Iran 1414, modern Islamic civilization.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Hashemi, Khadijah; Dashti, Fatemeh(Spring 2024). "A look at the background and capacity of religious democracy and its role in the realization of modern Islamic civilization in the horizon of Iran 1414". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 7, Num. 1, S.No. 25, pp. 69 - 90.

¹. PhD in History, Faculty of Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: khadije_hashemi@yahoo.com

². Master's degree in History of Islamic Culture and Civilization, Faculty of Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: khadije_hashemi@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

Quran

- Dashti, Mohammad (1389), *Nahj al-Balagha, Qom, Islamic Propaganda Office. (in Persian)*
- Fazli, Mirza Hossein (2013), *the place of the people in the political-religious system from the point of view of Ayatollah Naini and Martyr Sadr, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. (in Persian)*
- Ghasemi, Zafar (1405), *Nizam al-Hakm fi al-Sharia and al-Tarikh al-Islami, Beirut. (in Persian)*
- Hazaveh, Seyyed Morteza (2013), Mohdtehs Heydari, "Religious democracy in Iran and its model-making capacity in the Islamic countries of the region", *Islamic Revolution Research, Paizi, No. 2, Paizi, from pages 173 to 198. (in Persian)*
- Khomeini, Ruhollah Al-Mousavi (1368), *Imam Khomeini's Sahifa, Tehran, Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works. (in Persian)*
- Khomeini, Seyyed Ruhollah Al-Mousavi (1389), *Velayat Faqih, Tehran: Amir Kabir. (in Persian)*
- Khorramshad, Mohammad Baqir (2012), "Islamic Revolution, Islamic Awakening, New Islamic Civilization", *Culture Strategy Magazine, Autumn, No. 23, from pages 127 to 154. (in Persian)*
- Leader's statements in Friday prayer sermons, 24/11/82. (in Persian)*
- Leadership statements at the opening of the Islamic and Palestinian Awakening Conference, 6/26/90. (in Persian)*
- Leadership statements, 6/17/90. (in Persian)*
- Leadership statements, 7/25/91. (in Persian)*
- Mirahmadi, Mansour (2012), "Islamic democracy instead of the Islamic Republic; Examining the goals and achievements of religious democracy", *Surah Andisheh, numbers 71 and 70, from pages 147 to 149. (in Persian).*
- Mohseni, Ali (1384), "Iman Ali (a.s.) and the popular approach to the category of government and its origin", *Political Science Magazine, Spring and Summer, No. 1, from pages 129 to 158. (in Persian)*
- Motahari, Morteza (1377), *Ali's attraction and repulsion, Sadra, Tehran.*
- Nouri, Sheikh Fazlullah (1362), *laws, by the efforts of Homa Rizvani, Tehran, History of Iran. (in Persian)*
- Pirouzmand, Ali Reza (2018), "Religious democracy: a pact with the Imam of the community - system building based on religious democracy", *Surah Andisheh, Bahman and Esfand, numbers 57 and 56, from pages 149 to 153. (in Persian)*
- Pourfard, Masoud (1385), "Quran; Republic and Democracy", *Qur'anic Research Quarterly, Spring, No. 45, from pages 144 to 161. (in Persian).*
- Qureshi, Baqer Sharif (1994), *Nizam al-Siyasi fi al-Islam, Beirut: Dar al-Mortaza. (in Persian)*
- Research Group (1387), *Shariah Constitution and Conditional Legitimacy, Design for Tomorrow Institute. (in Persian)*

- Sadidpour, Saeeda Sadat (2014), Mohammad Ebrahim Sanjaghi, Hossein Shirazi, "The model of religious democracy based on the statements of the Supreme Leader (Damat Barakate)", Islamic Management Quarterly, Autumn, No. 3, from pages 71 to 94. (in Persian)*
- Sawaqib, Jahanbakhsh (2013), "Basics and characteristics of Alavi government", Alavi Research Journal, Fall and Winter, No. 6, from page 1 to 26. (in Persian)*
- Statements of the leadership in the meeting of the government board, 5/6/80. (in Persian)*
- Statements of the leadership in the public of Kashan, 8/20/80. (in Persian)*
- Taghi Lo, Farmarez (2014), "Constitutionalism and the Islamic Republic: Shia political theory in the conflict between tradition and modernity", Research Journal of the Islamic Revolution, Fall, No. 4, from pages 65 to 84. (in Persian)*
- Taha Hossein (1354), Ali and his children, Mohammad Ali Shirazi, Tehran, Ganjineh. (in Persian)*



پروفیسر کاہنشاہ علوم اسلامی و مطالعات اسلامی

برائے اعلیٰ تعلیم اسلامی